

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

معصومه زیرک*

پدیده جهانی شدن یکی از جنبه‌های واقعی و برجسته نظام جدید جهانی و از عوامل تعیین‌کننده تحولات آتی است. در واقع جهانی‌شدن مثلی است که از سه زاویه کاملاً مرتبط به هم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تشکیل شده است. لذا در حال حاضر دستیابی به جایگاه برتر اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب‌غربی^۱ با اتخاذ سیاستهای توسعه‌ای، اهداف و الزامات افق ۲۰۴۰زمینه‌ای است که کشورمان در طول این دوره بتواند دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان باشد زیرا تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در ۲۰ سال آینده از جایگاه ویژه‌ای در سند چشم‌انداز برخوردار است. منطقه‌گرایی نیز از موضوعات پر اهمیت برای این تعامل مؤثر در سطح بین‌المللی است، چرا که گرایش کشورها به عضویت در بلوکهای اقتصادی منطقه‌ای به منظور گسترش تجارت بین‌اعضاء، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهبود رشد اقتصادی و بالا بردن کارایی فنی و مانند آن روز به روز در حال افزایش بوده و حضور در بازارهای بین‌المللی نیازمند مشارکت بین‌المللی است، به گونه‌ای که گرفتن سهم مناسب بازار جهانی مستلزم تعامل و تفاهم با مناطق مختلف جهان، سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در نوشتار حاضر سعی می‌شود ضمن معرفی ویژگیها و عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن و پیامدهای آن به بررسی آثار، پیش‌نیازها و تمهیدات مؤثر در الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و عضویت آن در بلوکهای منطقه‌ای پرداخته و مقدمات و زمینه‌های لازم و همچنین فرصتها و تهدیدها در این راستا شناسایی شود.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، سازمان تجارت جهانی، آزادسازی تجاری، بلوکهای منطقه‌ای، پیش‌نیازهای اقتصاد ایران.

* کارشناس اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان همدان

۱. منطقه موردنظر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران

۱. مقدمه

با توجه به اینکه منطقه‌گرایی پدیده‌ای نشئت گرفته از جهانی‌شدن بوده و گرایش کشورها به عضویت در بلوکهای اقتصادی منطقه‌ای به دلیل گسترش تجارت بین اعضا، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهبود رشد اقتصادی و افزایش کارایی فنی و نظایر آن شدت گرفته است، شایسته است پیش از بررسی این موضوع، جهانی‌شدن را به عنوان زمینه و پیامد تحولات قرن حاضر مورد تحلیل قرار دهیم.

جهانی‌شدن از دیدگاه کارشناسان امور بین‌الملل «فرآیند یکپارچگی مردم جهان در یک جامعه واحد است، به نحوی که حوادث و اتفاقات در نواحی دور دست سبب شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شوند.» البته جهانی‌شدن سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولت‌ها می‌شود و از اهمیت مرزها و فاصله جغرافیایی می‌کاهد. این نکته را باید در نظر داشت که جهانی‌شدن در مفهوم خاص اقتصادی که هدف این مقاله، بررسی و پرداختن به آن است، به صورت گسترش نظام سرمایه‌داری از نیمه قرن بیستم به بعد به ویژه بعد از فروپاشی شوروی و تقسیم این کشور به ۱۶ کشور مستقل و نیز گذر بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به نظام بازار و همچنین کشورهای شرق آسیا که در گذشته کمونیست بوده‌اند به نظام شبه‌بازاری و گذر بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته به اقتصاد بازار ظاهر شده است.

بنابراین جهانی‌شدن آن گونه که اکنون دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فرآیندی است که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در سراسر کشورهای جهان میسر شده و موجب رفاه و سعادت بیشتر شرکت‌کنندگان در این فرآیند شده است.

۲. ویژگیها و عوامل موثر بر جهانی‌شدن و پیامدهای آن

در بیان ویژگیهای جهانی‌شدن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- رشد تجارت جهانی و تنوع معاملات بین‌المللی،
- رشد بی‌سابقه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی،
- رشد تجارت پول و سرمایه،
- جریان آزادانه خدمات تولیدی،
- توسعه صنعت گردشگری،
- انتقال سریع و رو به گسترش فن‌آوری،
- شکل‌گیری شرکتهای بزرگ چندملیتی،
- تشدید گرایش و تمایل کشورها به عضویت در سازمانها و بلوکهای اقتصادی منطقه‌ای،

- مهاجرت نیروی کار در سطح بین‌المللی،
- گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و فرآیندهای تبادل اطلاعات در سراسر نقاط جهان و پدید آمدن دنیای مجازی ارتباطات و اطلاعات.

شواهد آماری^۱ در این زمینه، نرخ رشد بالای صادرات نسبت به تولید جهانی و رشد چشم‌گیر در حجم و سرعت سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته را تأیید می‌کند. همچنین رشد تجارت پول و سرمایه حاصل از افزایش چشم‌گیر حضور بانکها و شرکتهای فراملیتی در بازارهای داخلی و خارجی که اغلب در شهرهای بزرگ جهان نظیر نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و سایر مراکز کشورهای توسعه یافته که توان جذب سرمایه‌های بین‌المللی، مدیریت مالی و مراکز بانکی را داشته‌اند، صورت گرفته است. رشد و تحولات ایجاد شده در خدمات تولیدی نظیر صادرات مدیریتی، اطلاعات و تکنیکهای سازمانی از مهم‌ترین نوع تجارت بدون مرز به شمار می‌آیند که بیشتر توسط سرمایه‌گذاری خارجی در خدمات، صورت گرفته است. بنا بر شواهد آماری سهم خدمات تولیدی در تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته در چند دهه گذشته رشد بالایی داشته که بیشترین تغییرات در کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و فرانسه اتفاق افتاده است. در عصر حاضر، گسترش ارتباطات و وسایل ارتباطی امن و سریع نظیر هواپیما، کشتی‌های بزرگ مسافربری و قطارهای سریع‌السیر و تمایل به آشنایی ملتها با یکدیگر، صنعت گردشگری را توسعه داده است که این صنعت به عنوان یکی از زیربخشهای مهم بخش بازرگانی محسوب می‌شود و درآمد قابل توجهی را نصیب کشورها کرده است.

به نظر می‌رسد عواملی چون انقلاب در فن‌آوری اطلاعات، حمل و نقل و ارتباطات، رشد شرکتهای فراملیتی، فروپاشی امپراتوری شوروی، بین‌المللی شدن مسائل محیط زیست و نظایر آنها از مهمترین عواملی می‌باشد که در فرآیند جهانی شدن اقتصاد مؤثر است.

یادآوری می‌شود سه تحول بزرگ در دو دهه گذشته یعنی دورنگار (فاکس)، تلفن همراه و اینترنت؛ بخش تولید، تجارت و شیوه‌های کار و زندگی افراد جامعه را در سراسر جهان تغییر داده و موجب کاهش هزینه خدمات و ارتباطات و حمل و نقل و نیز کاسته شدن اهمیت فاصله جغرافیایی در فعالیتهای اقتصادی و کوتاه‌تر شدن زمان و یکپارچگی هرچه بیشتر بازارها، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و تحریک بیشتر منابع و افراد در درون مناطق شده است. همچنین مسائل زیست‌محیطی نظیر گرم شدن زمین، بارانهای اسیدی و مانند آن لزوم چاره‌اندیشی و همکاریهای بین‌المللی و همسویی سیاستها به ویژه در بُعد اقتصاد و تولید را ضروری ساخته است.

با بررسی عوامل مؤثر جهانی شدن اکنون می‌توان پیامدهای آن را بر اقتصاد کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه که نیاز بیشتری به توسعه ارتباطات جهانی دارند، مورد تحلیل و بررسی

قرار داد. در حقیقت جهانی شدن هم دارای آثار و پیامدهای مثبت و هم منفی است. رقابت از پیامدهای مثبت آن و بروز کشمکش‌ها از پیامدهای منفی آن می‌باشد که می‌توان با همکاری‌های بین‌المللی از طریق انعقاد موافقتنامه‌هایی درباره سیاست‌گذاری یا از طریق ایجاد نهادهای بین‌المللی جدید آنها را خنثی کرد. اگرچه جهانی شدن در مواقعی به بروز کشمکش‌های بین‌المللی می‌انجامد، در عین حال، مهار و تعدیل این کشمکش‌ها به کمک آثار مثبت رقابت و همکاری جهانی برای رفع تهدیدهای اقتصادی و سایر تهدیدها امکان‌پذیر است.

از چالش‌ها و پیامدهای جهانی شدن تشدید شکاف فقیر و غنی است به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که جهانی شدن روندی است به نفع نظام سرمایه‌داری و در راستای خواست‌ها و منافع ثروتمندان حرکت می‌کند. با وجود این از دیدگاه آنان هر اندازه توسعه و پیشرفت اقتصاد و رفاه اوج بگیرد، دستاوردهای این پدیده در اختیار جوامع معدودی قرار می‌گیرد، از این‌رو از دیدگاه آنها عصر جهانی شدن، دوره شکوفایی اقتصاد و تجارت همراه با تشدید فقر و محرومیت در جوامع حاشیه‌ای است.

نتایج تحقیقات بروگنر^۱ نشان می‌دهد که مراکز مهم اقتصاد جهانی در سه منطقه آمریکای شمالی، اروپا، شرق و جنوب شرقی آسیا قرار دارند و فرآیند جهانی شدن اقتصاد بیشتر به نفع این سه منطقه است. بنابراین بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته آسیایی، آفریقایی و آمریکایی که دارای بازارهای پولی و مالی کارآمد، ساختار اقتصادی توسعه یافته و سرمایه‌های انسانی کافی نیستند از فرآیند جهانی شدن اقتصاد بهره زیادی نخواهند برد زیرا به دلایل یاد شده جریان سرمایه به سوی این کشورها نمی‌باشد.

به نظر بروگنر در بررسی پیامدهای جهانی شدن بسیاری از مخالفان جهانی شدن اقتصاد (به شیوه آمریکایی) معتقدند که تبلیغ فرهنگ و ارزشهای مادی مطلوب نظام سرمایه‌داری سبب کم رنگ شدن ارزشهای انسانی و معنوی و رشد خشونت و جنایت می‌شود و استقلال عمل و خط مشی‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در سطح ملی کشورها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر فشار رقابت اقتصادی می‌تواند به نابودی محیط زیست منتهی شود. در اصل این موارد در کشورهای کمتر توسعه یافته نمود بیشتری می‌یابد.

بدون شک با ظهور پدیده جهانی شدن در سطح بین‌المللی تحولاتی رخ داده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- تغییر تعاریف در واژه‌های کلیدی اقتصاد،
- جابه‌جایی تدریجی قدرت از دولتهای محلی به نهادهای بین‌المللی و شرکتهای فرامیلتی،
- تغییر نظریه‌های حاکم بر اقتصاد،

- تغییر در تقسیم کار جهانی از شیوه‌های خوشه‌ای به خطی،
- ظهور امپریالیسم جهانی در چارچوب جهانی سازی اقتصادی.
شایان ذکر است تغییراتی که در اثر جهانی شدن در بخش اقتصاد رخ داده به قدری عمیق بوده است که می‌توان گفت به تدریج باید تعاریفی جدید برای واژه‌های کلیدی اقتصاد عنوان شود. به عنوان مثال واژه «کار» پیش از جهانی شدن اقتصاد عبارت بود از انجام فیزیکی عملی بی‌واسطه که باعث ایجاد ارزش افزوده می‌شود، اما بعد از جهانی شدن مشاهده می‌شود که واژه‌های کار و تولید در دو بعد افقی و عمودی گسترش یافته و «فکر» هم جزء تولید قرار گرفته و حتی شرکت در بورس نیز نوعی کار اقتصادی محسوب می‌شود. واژه‌های دیگری نیز با ظهور فرآیند جهانی شدن دچار تحول شده‌اند که پرداختن به آن در مجال این نوشتار نیست.
گفتنی است انتقال قدرت از دولتهای محلی به نهادهای بین‌المللی و شرکتهای فراملیتی به عنوان نوع دیگری از تغییرات ایجاد شده در اقتصاد در اثر جهانی شدن سبب شده است که بیشترین لطمه به اصول بین‌المللی به ویژه در بخش اقتصادی وارد شود و از طریق از بین بردن محدودیت حاصل از مرزها برای کالاهای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) و تعرفه‌های اقتصادی و رشد شرکتهای فراملیتی، قدرت اقتصادی دولتهای محلی تضعیف شود، همچنین نظریه‌های حاکم بر جهان اقتصاد نیز از سنتی به آکادمیک تغییر یافته است. با تقسیم کار جهانی هر کشور یا هر منطقه بر اساس شرایط و منابع اقتصادی یا انسانی خود، محصول یا محصولات متناسب با آن شرایط و منابع مشخص شده تولید می‌کند و در این راستا برنامه کلی تولید در جهان تعیین می‌شود. پس ضروری است تا فرآیند جهانی شدن را در مقابل طرح جهانی سازی (که موجودیتی مستقل از آن است) تقویت کرد و زمینه‌های اجرایی آن را فراهم کرد.
تشکیل نهادها و سازمانهای بین‌المللی نقطه شروع روند جهانی سازی بوده که حاصل آن حضور و شرکت ۱۵۲ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در فعالیتهای تجاری بین‌المللی است. بدون تردید تأسیس نهادهایی نظیر صندوق بین‌المللی پول^۱ و بانک جهانی^۲ و گات و سازمان تجارت جهانی WTO بر روند جهانی شدن اقتصاد تداوم و سرعت بخشیده است.

۳. آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

حرکت به سوی ایجاد یک محیط رقابتی و فراهم آوردن شرایط لازم برای ارتقای قدرت رقابت صنایع داخلی اولین گام در الحاق ثمربخش ایران به سازمان تجارت جهانی خواهد بود.

۱. گزارش سازمان تجارت جهانی (۲۰۰۷)

2. International Monetary Fund

3. World Bank

بدون شک با مطالعه عملکرد و اهداف سازمان تجارت جهانی بخشی از آثار مثبت الحاق به آن آشکار می‌شود که این پیامدها موجب قانونمندی، پیش‌بینی‌پذیری، ثبات و شفافیت در روابط و فعالیتهای اقتصادی و تجاری در داخل و خارج، تسهیل دسترسی به بازار سایر کشورها و تسهیل تحقق سیاست جهش صادراتی و توسعه برون‌گرا، تسهیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری و ایجاد اشتغال، از میان رفتن حمایت‌های اقتصادی و رانتهای ایجاد محیط رقابتی و آمادگی برای رقابت در بازار جهانی، دستیابی مصرف‌کنندگان به کالاهای مرغوب‌تر و ارزان‌تر، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های جهان درباره قواعد و مقررات تجاری و دسترسی به یک ساز و کار حل اختلاف مطمئن برای رسیدگی به تخلف سایر کشورها از تعهدات خود می‌شود.

از پیامدهای منفی الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌توان به مواردی نظیر کاهش استقلال عمل در برابر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تجاری و آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل تحولات خارجی و نیز تحت فشار قرار گرفتن یا حتی ورشکستگی‌های صنعتی که نیازمند آن هستند تا یک دوره زمانی خاص به قدرت لازم دست یابند اشاره کرد. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که هر کشور عضوی براساس مفاد موافقت‌نامه‌گات و سایر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌تواند واردات خود را محدود کند. البته برای جلوگیری از لطمه‌های جدی به تولیدکنندگان داخلی، حفظ و موازنه تراز پرداختها، اجرای برنامه‌ها و سیاستهای توسعه اقتصادی یا براساس ملاحظاتی نظیر منافع عمومی، منافع امنیتی، اخلاق عمومی، مسائل بهداشتی و نظایر آن در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مفادی معروف به رفتار ویژه و متفاوت (SDT)^۱ کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته وجود دارد که طبق آن مهلت بیشتری برای اجرای مقررات سازمان تجارت جهانی به کشورهای مذکور داده شده و مزایای بیشتر و تعهدات کمتری برای کشورهای یاد شده در نظر گرفته شده است. همچنین اعطای کمکهای فنی به این کشورها پیش‌بینی شده است.

با وجود این، قرار داشتن در خارج از سازمان تجارت جهانی به معنای انزوای بین‌المللی است و این در حالی است که عضویت در سازمان تجارت جهانی ضمن امکان بهره‌برداری از فواید و امتیازات آن باعث می‌شود که بتوانیم در تصمیم‌گیری‌های این سازمان و تدوین و وضع قواعد و مقررات تجارت بین‌الملل نقش داشته باشیم و فقط قاعده‌پذیر نباشیم. البته این موضوع واقعیتی است که هدف این مقاله تحلیل و بررسی آن است.

برای این منظور پیش از هر چیز، ضروری است تا با نگاهی به مسیر الحاق ایران به گات و سازمان تجارت جهانی، زمینه‌های لازم برای تعیین و تحلیل فاصله اقتصاد ایران تا الحاق به سازمان

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۶۳

تجارت جهانی بررسی شود. فرآیند طی شده الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در یک تقسیم‌بندی کلی به این شرح است:

- مرحله مطالعه و بررسی (۱۳۷۵-۱۳۷۰)،
- مرحله بایکوت درخواست ایران جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی (۱۳۸۰-۱۳۷۵)،
- مرحله بررسی‌های مکرر (۱۳۸۴-۱۳۸۰)،
- مرحله انجام مذاکرات الحاق (۱۳۸۴ تاکنون).

پیش از بررسی مراحل چهارگانه فرآیند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باید گفت که با امضای قرارداد ۳۴ ماده‌ای گات در سال ۱۹۴۷ که بین ۲۳ کشور^۱ امضاء شد، ایران نیز با امضای منشور هاوانا به طور رسمی به عضویت ناظر در گات درآمد که تا پایان سال ۱۹۹۳ ادامه داشت و از آن پس کشورمان مانند سایر کشورهای در حال توسعه در بحث گات غیرفعال بود. البته این موضوع دلایل سیاسی و اقتصادی داشت زیرا ایران در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که برنامه‌های توسعه سوم و چهارم و پنجم را دنبال می‌کرد، جایگزینی واردات را راهبرد اصلی خود قرار داده بود. این راهبرد نیازمند حمایت از صنایع داخلی و وضع تعرفه‌های بالای وارداتی بود، بنابراین ایران توجه خاصی به گات نداشت. همچنین ایران صادرکننده نفت بود و نفت در دستور کار مذاکرات گات نبود زیرا تعرفه وارداتی نفت خام ناچیز و حتی در اتحادیه اروپا تعرفه واردات نفت خام صفر است چون مسئله نفت در دست کشورهای غربی و شرکتهای بزرگ آنها بود و نمی‌خواستند مسئله به این مهمی را وارد مذاکرات کنند. همچنین کشورهای عضو اوپک، هم در گات عضو نبودند و هم بحث نفت را از دیدگاه تعرفه‌ها دنبال نمی‌کردند و از جنبه سیاسی ایران در دهه‌های یادشده با تغییر حکومت و پس از آن مسئله جنگ با عراق دچار تحولاتی شد که با عضویت در سازمانهای بین‌المللی مناسبی نداشت. با این حال ایران تا سال ۱۳۷۰ در راستای فعالیت برنامه‌ای در زمینه توسعه صادرات و آزادسازی گامهای مؤثری برداشت و در طی مذاکرات برای الحاق به سازمان تجارت جهانی با مخالفت‌های آمریکا روبرو شد. پس از ذکر مختصری از مسائل اساسی و تاریخی، به بررسی مراحل چهارگانه یادشده می‌پردازیم:

درخواست رسمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در مرحله اول یعنی اوایل دهه ۱۳۷۰ صورت گرفت و تحقیق و بررسی در زمینه گات و بررسی پیامدهای احتمالی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در دستور کار وزارت بازرگانی قرار گرفت. پس از بررسیهای اولیه، گزارش حاصل از این بررسیها در خرداد ۱۳۷۲ به هیئت دولت ارائه شد و موضوع پیگیری عضویت به زمان پس از اتمام مذاکرات دور اروگوئه موکول شد. با تلاشهای دولت طی چند سال بالآخره در

۱. ۲۳ عضو گات شامل ۱۲ کشور توسعه یافته و ۱۱ کشور در حال توسعه بودند که عملاً با تأمین نشدن منافع کشورهای در حال توسعه غیرفعال شدند.

سال ۱۳۷۵ وزارت بازرگانی متولی انجام کار شد و در مرحله دوم یعنی ۲۸ تیر ۱۳۷۵ درخواست ایران به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی داده شد اما تا سال ۱۳۸۰ هیچ گونه اقدامی برای عضویت در آن سازمان انجام نشد. تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۸۰ درخواست ایران برای اولین بار در دستور کار شورای عمومی آن سازمان قرار گرفت. مشخصه اصلی این مرحله رایزنی سیاسی در بعد خارجی و تمهید مقدمات سازمانی، علمی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی مناسب در بعد داخلی است. اما رویه جاری تصمیم‌گیری در سازمان تجارت جهانی که تصمیمات بر مبنای اجماع گرفته می‌شود، باعث شد تا آمریکا در چارچوب خصوصتهای خود با ایران پس از تسلیم درخواست الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی مانع تصویب آن شود. در نتیجه برای مدت‌های طولانی درخواست عضویت ایران در دستور کار شورای عمومی آن سازمان قرار گرفت.

در مرحله سوم یعنی در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ شورای عمومی سازمان تجارت جهانی در بیست و سومین^۱ بار بررسی درخواست عضویت ایران با آن موافقت کرد و ایران به عضویت ناظر پذیرفته شد. مشخصه اصلی این مرحله تشدید رایزنی‌های خارجی و گسترش فعالیتهای داخلی در این زمینه بوده است.

مشخصه مرحله پایانی یعنی از سال ۱۳۸۴ تا کنون انجام مذاکرات و رایزنی‌ها در بعد خارجی و بسترسازی در بعد داخلی است. راهکاری که در این مرحله یعنی پذیرش عضویت رسمی ایران به سازمان تجارت جهانی وجود دارد این است که کشور باید مذاکرات چند جانبه با اعضای کارگروه و مذاکرات دو جانبه با آن دسته از کشورهای مربوط به کارگروه مورد نظر که خواستار امضای موافقت‌نامه دو جانبه هستند انجام دهد و در بعد داخلی نیز باید هماهنگی زیادی بین بخشهای مختلف دولتی با یکدیگر به منظور دستیابی به یک موضع قوی مذاکراتی در سر میز مذاکره ایجاد شود. نکته مهم در تشکیل کارگروه^۲ برای کشورمان این است که رئیس تعیین شده برای آن باید فردی با صلاحیت باشد و رابطه ما و کشور متبوع او هم مناسب باشد.

۴. پیش‌نیازها و تمهیدات مؤثر در الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

به نظر می‌رسد معرفی پیش‌نیازهای عضویت در سازمان تجارت جهانی با اوضاع اقتصادی کنونی کشور برای بررسی و تحلیل جای تأمل دارد. گام نخست در این راستا از بعد داخلی ارائه شناسنامه اقتصادی کشور^۳ است. در سالهای اخیر اقداماتی در این راستا انجام شده است که اهم آنها در قانون

۱. شایان ذکر است در مجموع ۲۳ بار شورای عمومی سازمان تجارت جهانی در نشست‌های مختلف خود موضوع عضویت ایران را مورد بررسی قرار داد اما در ۲۲ مورد به دلیل مخالفت آمریکا در این مورد درخواست مورد پذیرش قرار نگرفت.

۲. برای هر کشوری که در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی است یک کارگروه تشکیل می‌شود که در آن کشورهایی وارد می‌شوند که می‌خواهند از آن کشور امتیاز بگیرند و آن کشور باید بتواند به دو خواسته اصلی کشورها یعنی نخست، بازکردن تدریجی بازار کالا و خدمات و دوم انطباق قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری کشور با مقررات WTO پاسخ دهد.

۳. گزارش رژیم تجاری، نظامنامه رژیم تجاری ایران (۱۳۸۴)

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۶۵

برنامه سوم و چهارم توسعه شامل خصوصی سازی، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی، اصلاح نظام مالیاتی، جهش صادراتی، حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه‌های گمرکی، راه‌اندازی شبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور (داخلی و خارجی) است. همچنین اقدامات دیگری نظیر یکسان‌سازی نرخ ارز، گسترش خصوصی سازی (اصل ۴۴ قانون اساسی)، لغو برخی انحصارات و افزایش رقابت، تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قانون تجمع عوارض، پیگیری تصویب لایحه مالیات بر ارزش افزوده و نظایر آن در رأس برنامه‌ها و سیاستهای دولت قرار گرفته است.

با این تفاسیر هنوز کمبودها و ایرادهای بسیاری در قوانین و مقررات جاری کشور مشاهده می‌شود که در این رابطه به نظر می‌رسد باید در زمینه ارزش‌گذاری گمرکی و قواعد مبدأ، استانداردها و حقوق مصرف‌کننده، رقابت و مقابله با انحصار، اقدامات ضد دامپینگ و اقدامات حفاظتی و جبرانی برای حمایت از صنایع داخلی در شرایط اضطراری و مقابله با ورود کالاهای یارانه‌ای، کمبودهای قانونی مرتفع شود. در زمینه حقوق مالکیت فکری (معنوی) ضروری است هم از یک سو قوانین مربوط به کپی‌رایت و مالکیت صنعتی نظیر قوانین درباره علایم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه و کنترل رویه‌های ضد رقابتی تصویب شود و از سوی دیگر باید حداقل به کنوانسیون‌های بین‌المللی ذکر شده در موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی درباره حقوق مالکیت فکری (معنوی) یعنی موافقت‌نامه «جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری» یا (TRIPS)^۱ ملحق شویم.

همچنین در زمینه تجارت کالا، مجوزها و ممنوعیتهای موجود برای برخی کالاها باید حذف شود. بر اساس مطالعات انجام شده پیشنهاد می‌شود قانون «اخذ مابه‌التفاوت» سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برای کالاهای وارداتی لغو شود و برخی معافیتها و امتیازات اعطایی به صادرکنندگان نیز باید برداشته شود. در مورد سرمایه‌گذاری خارجی هم در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن شرایط و محدودیتهایی برای سرمایه‌گذاری خارجی ذکر شده است^۲ که باید حذف شود. همین‌طور در زمینه خدمات نیز ممنوعیت وسیعی برای فعالیت خارجی‌ها در خصوص خدمات مالی (بانک و بیمه)، حمل و نقل و مخابرات وجود دارد که باید تعدیل شود.

در حال حاضر تفکر منطقه‌گرایی شیوه‌ای برای ساختار جهانی شدن از سوی کشورهای در حال توسعه بوده و می‌تواند فرصت مناسبی برای ایران باشد و در این رابطه نکته مهم دسترسی به قدرت

1. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

۲. مواردی چون امکان استفاده از الزام فروش داخلی و امکان محدودسازی انتقال ارز به خارج، مفادی از اصول ۴ و ۵ قانون

تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱.

منطقه‌ای است. در این راستا بناسازی چارچوب دولت منطقه‌ای، پیشرفت اقتصادی، ثبات سیاسی، افزایش توان تکنولوژیک و دستیابی به بازارها از اقدامات مهم در این حیطه است و با توجه به این اهمیت ضروری است در این بخش از مقاله به موضوع منطقه‌گرایی و بلوکهای منطقه‌ای و بررسی وضع کشور در همکاریهای منطقه‌ای اشاره شود.

۵. بررسی اهمیت منطقه‌گرایی در عصر حاضر

پیمانهای منطقه‌ای در میان کشورهای جهان به طور چشم‌گیری طی پنج دهه گذشته به ویژه از دهه ۱۹۹۰ در حال افزایش است، به طوری که اکنون بسیاری از کشورها در پیمانهای تجاری منطقه‌ای متعددی عضویت دارند. موضوع منطقه‌گرایی در ماده ۲۴ موافقت‌نامه گات در قالب ایجاد موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای به عنوان استثنایی بر اصول کلی حاکم بر این نظام (اصل رفتار دولت کامل‌الوداد) عملاً به رسمیت شناخته شده است. اما به مرور زمان و با تحولات ایجاد شده در عرصه تجارت بین‌الملل این بحث رشد فزاینده‌ای یافته است و اکنون این رویه یک عامل مهم و پراهمیت در تجارت جهانی است زیرا منطقه‌گرایی می‌تواند به گسترش تجارت بین اعضا، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهبود رشد اقتصادی، افزایش کارایی فنی و نظایر آن منتهی شود^۱.

البته انگیزه‌ها و اهداف یاد شده موثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی و ادغام آنها در اقتصاد جهانی در شرایط رقابتی کنونی هستند. با این حال ترتیبات تجاری منطقه‌ای در راستای پیوستن به روند جهانی شدن اقتصاد می‌تواند با حذف موانع گمرکی در منطقه، دسترسی شرکتها به بازارهای وسیع‌تر را عملی کند و موانع را از سر راه انتقال سرمایه و فن‌آوری در محدوده منطقه بردارد. همچنین افقهای گسترده‌تری را فراروی توسعه تجاری و اقتصادی کشورهای عضو بگشاید. بنابراین ترتیبات تجاری منطقه‌ای با لغو محدودیتهای تجاری، نظام هماهنگ تعرفه‌های گمرکی و نظایر آن زمینه مساعدی را برای تولید در مقیاس کلان و فروش در بازارهای منطقه و بستر مناسبی را برای رشد اقتصادی پویای منطقه فراهم می‌کند. همچنین از سوی دیگر تعرفه‌ها و حمل و نقل نقش بسزایی در قابلیت رقابت کالاها و خدمات در بازارهای مختلف دارد که در پیمانهای تجاری منطقه‌ای این دو هزینه تعیین‌کننده در توافق میان کشورهای منطقه و فاصله نزدیکتر این کشورها به هم (همسایه بودن آنها با یکدیگر) به حداقل ممکن می‌رسد، بنابراین تولیدکنندگان از قدرت رقابت بیشتری برخوردار می‌شوند.

با این توصیف در اغلب موارد، کشورهای جهان برای حفظ روابط تجاری خارجی و موقعیت خود در بلوک‌بندیهای موجود در اقتصاد و سیاست جهانی به رویکرد منطقه‌گرایی و ایجاد ترتیبات

تجاری مختلف به عنوان مقدمه‌ای برای رویکرد جهانی شدن و مصونیت از پیامدهای منفی آن روی آورده‌اند. پس منطقه‌گرایی از دیدگاه کارشناسان تجارت بین‌الملل به عنوان بندرگاهی امن و به منزله ابزاری برای رویارویی کشورهای در حال توسعه با فراز و نشیبهای بازارهای جهانی تلقی می‌شود. به عبارتی منطقه‌گرایی در پیچه‌ای برای اصلاح خط مشی‌های داخلی است.

با این حال ایجاد بلوک تجاری منطقه‌ای دارای دو اثر متفاوت است^۱ که غالب بودن این دو اثر نسبت به دیگری به ترکیب کشورهای عضو و ساختار تجارت خارجی آن کشورها بستگی دارد. این دو اثر عبارت‌اند از:

- منافع بلوک تجاری که در اینجا منظور از آن خلق تجارت است. در واقع پیش‌بینی می‌شود که پس از تشکیل بلوک تجاری به دلیل اختلاف هزینه‌های تولید بین تولیدکنندگان داخلی و تولیدکنندگان درون بلوک تجاری، تجارت بین کشورهای عضو گسترش پیدا کند. به این ترتیب، مصرف‌کنندگان یک کشور به جای خرید گران از تولیدکنندگان داخلی به سمت عرضه‌کنندگان دارای قیمت پایین در بین کشورهای عضو بلوک می‌روند.

- هزینه‌های بلوک تجاری یعنی ایجاد انحراف در الگوی تجارت خارجی کشورهای عضو نیز اثر دیگر است. شایان ذکر است در شرایط تشکیل بلوک تجاری، مصرف‌کنندگان کشورهای عضو از هزینه‌های پایین‌تر عرضه‌کنندگان در بازار جهانی (کشورهای غیر عضو) محروم شده و هزینه‌های بالای تولیدکنندگان درون بلوک به آنها تحمیل می‌شود. این هزینه‌ها به ویژه اگر کشورها بعد از عضویت در بلوک محدودیتهای تجاری تبعیضی علیه کشورهای غیر عضو را افزایش دهند تشدید می‌شود اما از آنجا که هدف نهایی تجارت آزاد جهانی است چنانچه ترتیبات تجاری منطقه‌ای در راستای هدف اصلی که رفع موانع تجارت چند جانبه است باشد سنگ بنای تجارت آزاد جهانی به طور صحیح گذاشته خواهد شد. در این صورت انحراف تجاری به حداقل رسیده و شرایط دسترسی آسان به منابع و کالاها برای تمام کشورها فراهم خواهد شد.

در خصوص اهمیت منطقه‌گرایی و تشکیل بلوکهای اقتصادی باید گفت که سازمان تجارت جهانی برنامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای را به منزله ابزاری در راستای افزایش و توسعه تجارت جهانی و متوازن کردن روابط تجاری بین‌المللی به موازات کوششهای چند جانبه می‌داند زیرا اعضای موافقت‌نامه‌های یادشده اساساً به سمت ترویج آزادسازی و تسهیل تجاری عمیق‌تر بین منطقه‌ای هدایت می‌شوند و درعین حال ارزش آزادسازی چند جانبه و قاعده‌مندسازی حفظ می‌شود. بنابراین منطقه‌گرایی بهترین ابزار ممکن توسعه و آزادسازی در کشورهای در حال توسعه است و در این زمینه ضروری است تا با همکاری فرآیندهای آزادسازی چند جانبه، رشد اقتصادی برابر و منصفانه برای همه کشورهای جهان ایجاد شود. البته موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای و سازمان تجارت

جهانی دارای هدف مشترک دسترسی به بازار تمام کالاها و خدمات به منظور افزایش رفاه اقتصادی اعضای خود است که اتفاقاً بخش عظیمی از جمعیت جهان را در برمی‌گیرد و این هدف هم از طریق عضویت در سازمان تجارت جهانی و هم از طریق عضویت در بلوکهای منطقه‌ای میسر است. در واقع چنانچه آزادسازی مانند زمان شکل‌گیری گات ادامه پیدا کند امکان دارد که تمامی تعرفه‌ها از میان برداشته شود و در نتیجه یک منطقه تجارت آزاد تشکیل می‌شود و این به طور قطع موضوعی است که هم سازمان تجارت جهانی و هم بلوکهای منطقه‌ای در تلاش برای دستیابی به آن هستند و به یقین طولانی‌شدن آخرین دور مذاکرات گات سبب شد کشورهای که خواهان تحقق آزادسازی در آن قالب نبودند به منطقه‌گرایی (به عنوان راه‌حلی برای دشواری‌های اقتصاد بین‌الملل و تجارت خارجی) روی آورند زیرا آزادسازی به شیوه منطقه‌گرایی کم‌هزینه‌تر و قابل‌دسترس‌تر از جهانی‌شدن است، همچنین منطقه‌گرایی برای کشورهای در حال توسعه درون‌گرا با اقتصاد بسته مثل ایران، به عنوان زمینه مناسبی برای ورود به صحنه رقابتهای بین‌المللی است.

البته تحقیقات و مطالعات انجام شده در این زمینه با استفاده از مدل‌های جاذبه^۱ نکات پیشین را تأیید می‌کند^۲ چون در ساده‌ترین حالت وقتی که هیچ مانع و تشویقی وجود نداشته باشد، جریانهای تجاری دوجانبه را می‌توان با استفاده از این مدل به صورت تابعی مستقیم از اندازه اقتصادی دو کشور و تابعی معکوس از فاصله جغرافیایی بین دو کشور در نظر گرفت. عوامل تأثیرگذار بر تجارت دو کشور شامل این موارد است:

- حجم جریان‌های تجاری بین دو منطقه

- ضریب تناسب

- GDP منطقه اول

- GDP منطقه دوم

- فاصله جغرافیایی بین دو منطقه

در واقع در این مدل، تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده اندازه اقتصادی دو کشور است و با افزایش تولید ناخالص داخلی، توانایی کشور برای جذب و تولید محصولات بیشتر می‌شود. یعنی عرضه و تقاضا برای تجارت بین دو کشور بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت بر جریانهای تجاری دو جانبه دارد. همچنین تأثیر فاصله جغرافیایی روی جریانهای تجاری یک تأثیر

۱. مدل جاذبه برای برآورد جریانهای تجاری بین‌المللی از اندیشه جاذبه نیوتن الهام گرفته شده است. این مدل امکان تخمین نقش عوامل مؤثر بر تجارت دوجانبه را با به کارگیری عوامل تأثیرگذار دو کشور نظیر ویژگی‌های ساختار اقتصادی آنها مانند تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه، فاصله جغرافیایی، جمعیت و شاخص‌های تسهیل تجاری در قالب مدل اقتصاد سنجی را فراهم می‌کند.

۲. علی غلامی (۱۳۸۴) و میترا رحمانی (۱۳۷۶)

منفی بوده و نشان‌دهنده آن است که هر قدر فاصله جغرافیایی بین دو کشور بیشتر باشد، حجم روابط تجاری بین دو کشور کمتر می‌شود زیرا هزینه و مدت حمل و نقل کالا افزایش می‌یابد. با این حال پیمانهای منطقه‌ای می‌تواند آثار اقتصادی فراوانی مانند افزایش مبادلات تجاری، افزایش رفاه اقتصادی و صرفه‌های ناشی از مقیاس را برای کشورهای عضو به دنبال داشته باشد.

۶. عضویت ایران در بلوکهای منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران طی ۳۰ سال گذشته فراز و نشیبهای زیادی را پشت سر گذاشته و به‌رغم رویارویی با چالشها و موانع فراوان، موفقیت‌های ارزنده‌ای را نیز کسب کرده است. آغاز اجرای سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه، ابلاغ سیاستهای کلی نظام در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی، پذیرش درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) و انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری در چارچوب ترتیبات منطقه‌ای (مانند پیمان سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (DCR)^۱، اکو، دی هشت، پیمان شانگهای، اتحادیه اقیانوس هند، کنفرانس اسلامی، پیمان G15 و شورای همکاری خلیج فارس) بستر لازم برای توسعه اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی فراهم آورده است. در چارچوب اجرای این سیاستها و برنامه‌ها است که دولت اولویتهای اصلی خود را در سیاست خارجی مبتنی بر تأمین منافع ملی، تحکیم پیوندها و حفظ امنیت منطقه‌ای از طریق توسعه روابط دو و چندجانبه قرار داده است.

با این حال ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی است که به واسطه آن با ۱۵ کشور منطقه در چهار جهت جغرافیایی همسایه و هم‌مرز است و با توجه به قرار گرفتن در حد فاصل دو منطقه مهم دریای خزر و خلیج فارس، از گذشته‌های دور به عنوان چهارراه مواصلاتی غرب به شرق و شمال به جنوب و مسیر طبیعی تجارت بین شرق و غرب (جاده ابریشم) مطرح بوده است. در حال حاضر مجموعه تأسیسات و تجهیزات دریایی و بندری، شبکه‌های فرودگاهی، خطوط راه آهن و شبکه‌های مواصلاتی، کشور ما را به عنوان گزینه‌ای غیرقابل انکار برای تبدیل شدن به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل کرده است.

ویژگی اصلی اقتصاد ایران در نیم قرن گذشته، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی برای هزینه‌های جاری و عمرانی کشور بوده است. با این حال پس از پیروزی انقلاب به دلیل نگرانی‌های حاصل از پایان‌پذیری ذخایر نفتی و نیاز به حفظ این ثروت ملی برای نسلهای آینده، بحث افزایش صادرات غیرنفتی و ضرورت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های جاری، مورد توجه مسئولان قرار گرفت. البته باید یادآور شد که جنگ تحمیلی مانع از آن شد تا این بحث جنبه عملی و اجرایی پیدا کند اما در دوران پس از جنگ این موضوع توجه ویژه‌ای را در محافل

سیاسی و اقتصادی کشور به خود جلب کرده و به عنوان یک رهیافت اساسی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور منعکس شده است.

بدون تردید، برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کشور، به ویژه سیاست جهش صادراتی به منظور کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی، دولت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق در دو محور اساسی بوده است که عبارت‌اند از:

- جذب سرمایه‌گذاری برای حفظ و ارتقاء ظرفیتهای تولیدی کشور

- بازاریابی برای افزایش صادرات کالا (غیرنفتی) و صدور خدمات فنی و مهندسی

اقتصاد ایران سالهای نخست برنامه چهارم توسعه را با وجود تحولات سیاسی و مشکلات موجود با موفقیت پشت سر گذاشت. با این حال براساس رویکرد اقتصادی این برنامه و در راستای تعامل فعال و سازنده با اقتصاد جهانی و گسترش رقابت‌پذیری سعی شده در طول سالهای نخستین برنامه چهارم به طور جدی از طریق افزایش مشارکت بخش خصوصی، ارتقای بهره‌وری، تسهیل مقررات بازرگانی، برقراری مقررات مالی، اجرای سیاست تمرکززدایی، به کارگیری منابع صندوق ذخیره ارزی و توازن منطقه‌ای، زمینه مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا شود. البته در حال حاضر تداوم قیمت‌های بالای نفتی نیز فضای مساعدی را برای تحقق این اهداف فراهم آورده است.

با تدوین و تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور که در نتیجه همکاری و تعامل نزدیک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۱ صورت گرفت، گام مهمی در راستای توسعه زیرساخت اقتصادی و صنعتی با استفاده از سرمایه‌های خارجی برداشته شد. براساس آمار منتشر شده^۱ از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ حدود ۸,۸۶۸,۸۵۳,۰۰۰ دلار طرح تحت پوشش قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی تصویب و بخشی از آن اجرا شد. در این زمینه سرمایه‌گذاران کشورهای اروپایی میزان بیشتری از این طرح‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

افزایش صادرات غیرنفتی به منظور کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، وجه مهم دیگر مورد تأکید برنامه‌های توسعه‌ای کشور است. در برنامه سوم توسعه اجرای سیاست جهش صادراتی موجب افزایش صادرات غیرنفتی از رقم ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۷/۵ میلیارد دلار در سال پایانی اجرای این برنامه شد. میزان صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۴ با ۴۸/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل، به بیش از ۱۱ میلیارد دلار رسید که بالاترین نرخ طی سالهای پس از انقلاب محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۵ نیز کشور ما بیش از ۱۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته است. کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلیس، چین، کره جنوبی و امارات شرکای مهم تجاری ایران

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۷۱

محسوب می‌شوند.^۱ به‌رغم پیمانهای منطقه‌ای، متأسفانه حجم تجارت خارجی کشور به میزان کمتری با این کشورهاست و کشورهای اروپایی و جنوب شرقی آسیا بیشترین حجم تجاری را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین صادرات خدمات فنی و مهندسی از اوایل سال ۱۳۷۲ در ایران مورد توجه قرار گرفت. برآوردهای انجام شده میزان تجارت خدمات در جهان را سالانه بیش از دو تریلیون دلار نشان می‌دهد. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ تعداد ۴۷ فقره صادرات خدمات فنی و مهندسی به ارزش ۷۶۶ میلیون دلار با شرکتهای خارجی منعقد شد که این خود نشانه تحقق بخشی از اهداف موردنظر بود. تا سال ۱۳۷۷ تعداد ۵۸ قرارداد توسط شرکتهای ایرانی با پیمانکاران خارجی منعقد شد. ارزش کل پروژه‌های مورد توافق در دوره مشابه در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین حدود ۹۰۰ میلیون دلار بوده است.^۲

با توصیف اجمالی از وضع اقتصاد ایران به ویژه بخش تجاری و بازرگانی، در حال حاضر یکپارچگی اقتصادی و منطقه‌گرایی یکی از اولویتهای سیاست تجارت خارجی ایران بوده و طی سالهای اخیر تلاش‌های جدی در این زمینه صورت گرفته است به طوری که علاوه بر بلوکهای اقتصادی و منطقه‌ای که تاکنون ایران در آنها عضویت داشته است، طی چند سال اخیر نیز به عضویت چند بلوک اقتصادی اسلامی نیز در آمده است. در ادامه به اهم اتحادیه‌ها، سازمانها و پیمانهای منطقه‌ای که ایران به عضویت دائم یا به عنوان ناظر در آنها در آمده است اشاره می‌شود.

۱-۶. سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (DCR)

تا پیش از انقلاب تنها پیمان منطقه‌ای که ایران در آن عضویت داشت پیمان سنتو^۱ بود هر چند پیمان سنتو ماهیتی نظامی داشت اما شاخه اقتصادی آن پیمان DCR بود که میان پاکستان، ایران و ترکیه منعقد شده بود. علاوه بر سه کشور یادشده انگلیس و آمریکا نیز در آن حضور داشتند. این پیمان در واقع برای جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی شکل گرفته بود. از نظر شرایط اقتصادی سه کشور یادشده درصدد اجرای طرح صنعتی کردن کشور خود به شیوه غربی بودند. محدودیت ذخایر ارزی، نیاز به اجرای طرحهای صنعتی، دریافت فن آوری و بالاخره استفاده از امکانات موجود منطقه‌ای سبب شد که اندیشه ایجاد DCR به صورت یک سازمان همکاری چندجانبه تقویت شود. علاوه بر این، داشتن علایق تاریخی، فرهنگی و سنتی مشترک میان سه کشور و قرار گرفتن در یک منطقه حساس استراتژیک، پیدایش چنین سازمانی را ضروری می‌نمود. به این ترتیب این سازمان در سال

۱. گزارش وزارت بازرگانی سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۴، ۱۳۸۰، مراجعه شود به سایت: www.irtp.com

۲. همان

۱۳۴۳ پدید آمد و در سال ۱۳۴۵، عهدنامه از میر به عنوان اساس و شالوده این همکاری برای تقویت فعالیت‌های DCR تنظیم شد. اما در اوایل انقلاب با توجه به جهت‌گیری عدم تعهدی، ایران از آن پیمان خارج شد.

در حقیقت دهه اول تشکیل سازمان همکاری عمران منطقه‌ای با موفقیت چندانی روبرو نبود اما پس از آن سه کشور یادشده با اجرای طرح‌های مهم مثل طرح تولید آلومینیوم در ایران، کاغذ و بلبرینگ در پاکستان و تدوین اساسنامه بانک سرمایه‌گذاری و توسعه، همچنین پیش‌نویس مقررات همکاری‌های گمرکی و تعرفه‌ای، گام‌های نسبتاً مؤثری در راستای اهداف این سازمان برداشتند.

هرچند دو طرح اخیر با اوج‌گیری انقلاب در ایران متوقف شد اما در مورد وضع همکاری‌های عمران منطقه‌ای می‌توان گفت که ماهیتاً مصالح و پیوندهای سیاسی در نظام‌های حاکم وقت، ضرورت چنین سازمانی را توجیه می‌کرد، در حالی که زیربنای مناسبی برای افزایش توانایی اقتصادی سه کشور فراهم نکرد و ایران به عنوان کشور ثروتمند و برخوردار از ذخایر نفتی و افزایش رواج فرهنگ مصرف‌گرایی برای تأمین نیازهای اقتصاد خود نمی‌توانست در کشورهای همجوار خود مانند ترکیه و پاکستان عرصه مناسبی بیابد. از سوی دیگر، کشورهای ترکیه و پاکستان نیز بدون ساختار اقتصادی مناسب یا تولید دارای تقاضای مؤثر بودند و فقط برای دریافت کمک، با ایران همکاری داشتند.

ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی، ضعف تفکرات فراملی و نیز برخی از تعهدات فرمانطقه‌ای برخی کشورهای عضو DCR موجب شد تا تشکیلات و سازمان پیش‌بینی شده نتواند اهداف موردنظر را تحقق ببخشد. پی‌ریزی یک سازمان همکاری منطقه‌ای در آن مقطع، کاری ارزنده و مناسب بود ولی به هر حال با پیروزی انقلاب در ایران و تحولات سیاسی در کشور روند فعالیت DCR تا چند سالی دچار رکورد شد تا اینکه در سال ۱۳۶۲ ایران اقدام خود را برای احیای سازمان عمران منطقه‌ای DCR آغاز کرد. البته همکاری ایران، پاکستان و ترکیه این بار بدون حمایت آمریکا صورت گرفت.

۲-۶. سازمان همکاری اقتصادی اکو (ECO)^۱

با فروپاشی شوروی در سال ۱۳۷۱ در پی تلاشها و ابتکار عمل ایران، امکان پیوستن کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق به جمع سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در پیمان DCR فراهم شد و به این ترتیب مذاکرات تشکیل سازمان همکاری‌های منطقه‌ای ECO در سال ۱۹۹۲ در تهران با حضور نمایندگان و سران ۱۰ کشور اسلامی شامل ایران، ترکیه، قزاقستان، آذربایجان، ازبکستان، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و افغانستان و با هدف عمران منطقه، توسعه اقتصادی و

1. Economic Cooperation Organization (ECO)

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۷۳

بالا بردن سطح رفاه ساکنان کشورهای عضو آغاز شد که فعالیت رسمی آن به سال ۱۹۹۴ برمی گردد. در حال حاضر دبیرخانه اکو در تهران قرار دارد و ایران نقش بسیار فعالی در این سازمان دارد.

کشورهای عضو اکو به رغم موقعیت مناسب ژئوپلتیک و هم‌مرزی با اروپا، خلیج فارس و سه کشور بزرگ روسیه، چین و هند، همچنین بهره‌مندی از ذخایر نفت و گاز به علت اختلافات و رقابتهای سیاسی نتوانسته‌اند همکاری مؤثری با هم داشته باشند و به ویژه مشکلات حاصل از رژیم حقوقی دریای خزر، همکاریها و روابط اقتصادی آنان را همواره تحت الشعاع قرار داده است. در همین راستا می‌توان به تنش ایران و جمهوری آذربایجان بر سر مالکیت ذخایر نفتی دریای خزر و نیز اختلافات فراوان کشورهای عضو به ویژه در حوزه مسائل نفت و نظایر آن اشاره کرد.

از سوی دیگر روابط تهران و آنکارا دو عضو کلیدی و مؤسس اکو نیز همیشه تأثیر فراوانی در کیفیت کار این سازمان داشته است. در دهه ۱۹۸۰ که ترکیه با حفظ تعادل و دوری جستن از مسائل سیاسی روابط اقتصادی خوبی را با ایران، عراق و پاکستان برقرار کرده بود، بخش خصوصی این کشور تقویت شد و تحول بزرگی در اقتصاد آن ایجاد شد. همچنین پس از فروپاشی شوروی و تحقق نیافتن آرزوی ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا مقارن با آن دوران و افزایش اهمیت همکاری منطقه‌ای در دهه ۱۹۹۰ در سیاست جهانی، آنکارا اهمیت بیشتری برای اکو قائل شد، اما با افزایش مناسبات ترکیه و اسرائیل و فشارهای آمریکا به این کشور، تلاش ترکیه برای همکاریهای منطقه‌ای جای خود را به مسابقه‌ای برای نفوذ در آسیای میانه داد. در نتیجه از همکاری آنکارا و تهران در آسیای میانه و در پی آن در اکو کاسته شد و اوج این مسئله در نبود رئیس جمهوری وقت ترکیه در این اجلاس در سال ۱۳۷۹ نمایان شد. در حال حاضر نیز وقوع حوادث تروریستی در منطقه، به ویژه در ترکیه و ترس از جنبشهای بنیادگرای اسلامی روابط کشورهای عضو اکو را تحت تأثیر قرار داده است.

به هر حال به نظر می‌رسد که اکو و سازمانهای مشابه آن در منطقه بدون وجود چتر حمایتی یک قدرت بزرگتر که عامل همگرایی کشورهای عضو باشد، موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند و ایران نیز با توجه به اختلافات خود با کشورهای عضو نمی‌تواند چندان امیدوار به حمایت این سازمان از خود در جریان مناقشات بین‌المللی باشد. به طور خلاصه، ساختارهای اقتصادی ضعیف از همه مهم‌تر سیاست‌زدگی، روند همگرایی اعضای اکو را کند کرده است، به ویژه آن که کشورهای آسیای میانه نیز بیشتر به دنبال همگرایی با کشورهای خارج از منطقه و به ویژه آمریکا و اروپا بوده‌اند تا اینکه همکاری خود را با ایران تقویت کنند.

۳-۶. گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه موسوم به کشورهای DA

DA پیمان اقتصادی است که هشت کشور مسلمان در حال توسعه یعنی کشورهای ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه با هدف تقویت همکاری اقتصادی و گفتگو با گروه هشت کشور صنعتی جهان (G8) به همت نجم‌الدین اربکان نخست وزیر اسلام‌گرای ترکیه در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد. در اولین اعلامیه سران، هدف اصلی این گروه، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو عنوان شده است. ایران پیش‌نویس موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کالاها بین اعضای گروه هشت را پیشنهاد کرده که در حال مذاکره است. همکاری ایران با هفت کشور دیگر عضو DA در سطحی پایین‌تر از او آغاز شد ولی به دلیل توانایی ساختار اقتصادی کشورهای عضو، فعالیت در DA به نتایج مثبتی منجر شد. طی هشت سال تجاری، تجارت میان کشورهای عضو DA دو برابر شده است و پس از هشت سال در پایان دوره ریاست ایران در این سازمان، قرارداد تعرفه ترجیحی که پایه اساسی همکاریهای تجاری است در نشست بالی اندونزی بین سران کشورهای عضو امضا شد. با اقدامات کشورمان در دوره ریاست در این سازمان دبیرخانه کوچک DA که در استانبول واقع است ارتقا یافت.

۴-۶. پیمان شانگهای

پیمان دیگری که در حال حاضر ایران مراحل عضویت در آن را دنبال می‌کند پیمان شانگهای است. این پیمان هر چند بر اساس مبانی امنیتی و با هدف مبارزه با تروریسم شکل گرفته است اما با توجه به تمایل اعضا به حفظ هویت در برابر آمریکا توجه به مباحث اقتصادی را هم در دستور کار قرار داده است. روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان از سال ۲۰۰۱ اعضای دائم و مغولستان، هند، پاکستان و ایران اعضای ناظر سازمان همکاری شانگهای هستند. دو کشور بزرگ این سازمان یعنی چین و روسیه علاقمند به عضویت ایران در سازمان هستند و به تازگی نیز از رئیس جمهوری ایران برای حضور در جلسات سران کشورهای عضو این پیمان دعوت به عمل آمده است.

۵-۶. سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^۱

امروزه سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک نهاد بین‌المللی اسلامی با دارا بودن اعتبار جهانی به عنوان بزرگترین جامعه کشورهای مسلمان در جهان در نظر گرفته می‌شود. این سازمان به طور رسمی در ماه می ۱۹۷۱ تأسیس شد. در حال حاضر سازمان کنفرانس اسلامی دارای ۵۷ عضو است و به تازگی روسیه نیز به عنوان کشوری که دارای جمعیت زیادی مسلمان است پیشنهاد داده که به عنوان عضو ناظر در این سازمان شرکت کند. اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در گروه‌های

1. Organization of Islamic Conference (OIC)

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۷۵

کشورهای عربی و آفریقایی و آسیایی تقسیم می‌شوند و کشور آلبانی تنها کشور اروپایی عضو سازمان و سورینام نیز تنها کشور مسلمان در قاره آمریکا در این سازمان عضو هستند.

اهداف سازمان کنفرانس اسلامی که در منشور آن در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسیده است

عبارت‌اند از:

- پیشبرد اهداف اسلامی میان دولتهای عضو.
 - تحکیم همکاری میان دولتهای عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علمی و دیگر امور حیاتی و ترتیب انجام مشاوره میان دولتهای عضو که در سازمانهای بین‌المللی قرار دارند.
 - تلاش برای حذف جداسازی و تبعیض نژادی و رفع استعمار در همه اشکال آن.
 - انجام اقدامات لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین‌المللی بر پایه عدالت.
 - هماهنگ‌سازی همه کوششها برای حراست از اماکن مقدس و پشتیبانی از نبرد مردم فلسطین و کمک به آنها برای استیفای حقوقشان و آزادی آن سرزمین.
 - تقویت نبرد همه مسلمانان در مورد حفاظت از منزلت، استقلال و حقوق ملی آنها.
 - ایجاد فضای مناسب برای بهبود و همکاری و تفاهم میان دولتهای عضو و دیگر کشورها.
- ایران خود به عنوان یکی از کشورهای مؤسس سازمان کنفرانس اسلامی در این سازمان مشارکت فعال دارد.

۶-۶. اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند (IOR-AR)^۱

این اتحادیه به عنوان سازمانی منطقه‌ای، بستر مناسبی برای گسترش همکاری میان کشورهایی است که دامنه جغرافیایی آنها از شرقی‌ترین نقطه آسیا تا خلیج فارس و جنوب قاره آفریقا گسترش یافته است. اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند به عنوان سازمانی متشکل از ۱۸ کشور عضو نظیر جمهوری اسلامی ایران، استرالیا، بنگلادش، هند، اندونزی، کنیا، ماداگاسکار، مالزی، موریس، موزامبیک، عمان، سنگاپور، آفریقای جنوبی، سریلانکا، تانزانیا، تایلند و امارات متحده عربی و با بیش از ۲ میلیارد جمعیت (یک سوم دنیا) بازاری به مراتب بزرگ‌تر از بازار نفت^۲ و اتحادیه اروپا^۳ فراهم آورده است.

همزمان با برپایی نهمین مجمع تجاری در اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند، ریاست دوره‌ای این اتحادیه در بهمن ۱۳۸۴ به مدت دو سال به ایران واگذار شد. دستیابی به بازارهای جدید به ویژه توسعه صادرات غیرنفتی، استفاده از فرصت مناسب‌تر برای ایفای

1. The Indian Ocean Rim Association for Regional Cooperation (IOR-ARC)

2. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

3. European Union (EU)

نقش خود در صحنه‌های تجاری و بین‌المللی و همچنین بهره‌مندی از مزایای حذف موانع تعرفه‌ای از مزایای پیوستن ایران به این اتحادیه است.

۷-۶. کنفرانس گفت و گو برای همکاری آسیایی (ACD)

پیمان مهم دیگری که ایران در آن همکاری می‌کند، کنفرانس گفت و گو برای همکاری آسیایی^۱ است. این پیمان که با همت دولت تایلند و در سال ۲۰۰۲ شروع به فعالیت کرد با ۳۰ عضو از آسیا گسترش بازار تجارت و تقویت جایگاه هویتی و اقتصادی آسیا را دنبال می‌کند. پنجمین اجلاس وزرای خارجه ACD اوایل خرداد ۱۳۸۵ در دوحه قطر برگزار شد و در زمینه موضوعاتی نظیر انرژی، کشاورزی، محیط زیست و فن آوری اطلاعات و از همه مهم‌تر، تقویت هویت آسیایی به توافقات مهمی دست یافت.

۸-۶. پیمان G۱۵

پیمان G۱۵ کشورهایی از اعضای جنبش غیرمتعهدها در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را در برمی‌گیرد. ریاست دوره‌ای این گروه در شهریور ۱۳۸۵ از الجزایر به ایران واگذار شد. برنامه وزارت خارجه برای این گروه، فعال‌سازی و سازمان‌دهی مجدد اعضا است. متأسفانه در هشت سالی که از تأسیس گروه G۱۵ می‌گذرد این گروه بدون دبیرخانه بوده است.

۹-۶. شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس متشکل از شش کشور عربی در برگیرنده عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده عربی، بحرین و قطر است و برای حفظ امنیت کشورهای عضو ایجاد شده است. زمینه‌های تشکیل چنین شورایی به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برمی‌گردد اما انگیزه‌های تشکیل شورای همکاری خلیج فارس (PCGC)^۲ با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و لزوم یاری عراق از جانب کشورهای عرب خلیج فارس در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۰ و به خطر افتادن منافع قدرتهای بزرگ در این منطقه استراتژیک فراهم شد. ضرورت حفظ امنیت منطقه خلیج فارس و سیاست جدید آمریکا در منطقه مبنی بر ایجاد کمربند امنیتی از انگیزه‌های دیگر در این زمینه است. با توجه به این دلایل، شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد.

1. Asian Cooperation Dialogue (ACD)

2. Persian Gulf Co-operation Council

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۲۷

یادآوری می‌شود این شورا طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کشور عراق را مورد حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی خود قرار داد. کویت نیز به عنوان یکی از اعضای این شورا بعد از شروع جنگ ایران و عراق به طور رسمی از آمریکا برای حضور در منطقه خلیج فارس دعوت به عمل آورد. به طور کلی، سیاست شورا بر حفظ امنیت خلیج فارس با دخالت قدرتهای خارجی بنا نهاده شده است.

حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، ضعف کشورهای عضو شورا را در زمینه تأمین امنیت منطقه ظاهر کرد. نیرومندترین کشور عضو شورا یعنی عربستان سعودی، حضور قدرتهای غربی و مداخله برای پایان دادن اشغال کویت را درخواست کرد. از این رو بحران خلیج فارس، کارایی شورا را زیر سؤال برده و نیاز به یک نظام امنیتی جدید را ضرورت بخشیده است.

اتفاق دیگری که همزمان با آغاز بیست و پنجمین نشست سران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در بحرین رخ داد موضوع تغییر نام شورا به «شورای همکاری کشورهای خلیج عربی» بود. اما در آخرین روزهای سال ۲۰۰۷ میلادی حضور ریاست جمهوری ایران در بیست و هشتمین جلسه سران کشورهای عضو شورا در دوحه که به دعوت رسمی امیر کشور قطر بود زمینه‌های عضویت ایران را با ارائه پیشنهادهایی رئیس جمهور ایران در مورد تأسیس سازمان همکاریهای اقتصادی که با هدف فعال‌تر کردن روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاریهای مشترک کشورهای منطقه توأم بوده است به احتمال زیاد فراهم خواهد کرد.

در این راستا به نظر می‌رسد که عضویت ایران در پیمانهای منطقه‌ای متعدد آسیایی و اروپایی و آفریقایی برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، تجاری و آمادگی برای ورود به عرصه‌های جهانی رقابت تجاری ضروری است زیرا بر اساس نتایج مطالعات^۱ انجام شده، آزادسازی تجاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بازرگانی خارجی ایران و شرکای تجاری در بلوکهای اقتصادی به ویژه مناطق اسلامی داشته است.

شایان ذکر است بر اساس این نتایج، کشور ما پتانسیل تجاری بالایی با کشورهای اسلامی که دارای ویژگیها زیر هستند دارد:

- تولید ناخالص داخلی و جمعیت مشابه ایران داشته باشند.
- فاصله جغرافیایی آنها با ایران کم باشد. (کشورهای دارای مرز زمینی یا آبی در اولویت هستند).
- تعرفه‌های گمرکی پایین و موانع غیرتعرفه‌ای کمی داشته باشند که این ویژگیها در کشورهای آسیای مرکزی مشابه ایران است.

بنابراین ضرورت انعقاد پیمانهای منطقه‌ای با کشورهای اسلامی که دارای شرایط یادشده هستند و از پتانسیل تجاری بالایی برخوردارند، به خوبی احساس می‌شود. تشکیل این گونه پیمانها با هدف آزادسازی تجاری، کاهش و در نهایت حذف محدودیتهای تعرفه‌ای و گمرکی، می‌تواند کمک شایانی به رشد بخش بازرگانی خارجی کشورهای عضو کند برای دستیابی به این اهداف ضروری است که سیاست‌گذاران اقتصادی و بازرگانی کشور اجرای سیاستهای آزادسازی تجاری را از طریق تشکیل بلوکهای منطقه‌ای جدی بگیرند و واقعاً تحقق آنها را خواستار شوند. همچنین با یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت دستگاههای دولتی (که در امر صادرات و واردات دخیل هستند) همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند زیرا ماهیت نیاز به گسترش همکاریهای منطقه‌ای در دلایل ذیل نهفته است.

- دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای که طبق سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان هدف تعیین شده است و رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی در سال ۱۴۰۴ فقط از طریق همکاریهای منطقه‌ای تحقق خواهد یافت.
- تقویت مناسبات خارجی از طریق گسترش روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و تشکیل قطب منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی، برای اقتصاد کشور در جهان امروز لازم است.
- با توجه به اینکه سیاستهای دولت نهم بر ضرورت ایجاد توازن و عدالت در روابط بین‌الملل تأکید دارد بنابراین تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل و تقویت و گسترش سازمانها و پیمانهای منطقه‌ای ضرورت تأیید شده‌ای برای اقتصاد کشور است.
- قطعاً در شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، همکاریهای منطقه‌ای می‌تواند تضمین‌کننده امنیت سیاسی و اقتصادی کشور باشد زیرا تقویت تعامل اقتصادی با کشورها به ویژه کشورهای همجوار به گره زدن منافع اقتصادی کشورهای همسایه با منافع اقتصادی و ثبات سیاسی کشورمان خواهد انجامید.

۷. نتیجه‌گیری

جهانی شدن، چه ضرورتی تاریخی و خودجوش باشد و چه پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده و تحمیلی، واقعیتی است که پیش روی جهانیان قرار دارد و جامعه‌ای که توانایی به خدمت گرفتن ابزارهای موجود و استعدادهای بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی داشته باشد و شیوه به کارگیری آن را در رابطه با دیگر کشورها به گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیست و یکم بداند، قابلیت بازیگری موفقیت‌آمیز در آن را خواهد داشت.

یکی از ویژگیهای اصلی اقتصاد جهانی رقابت روزافزون کشورها برای یافتن بازارهای جدید است. به همین منظور در چند سال گذشته، تجارت بین‌الملل در دستور کار سیاستگذاران اقتصادی کشورها قرار گرفته است. ضمن اینکه در این دوره، رشد فوق‌العاده فن‌آوری‌های ارتباطی و مخابراتی، به روابط تجاری بین کشورها کمک کرده است.

مطمئناً برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. در چنین شرایطی، اقتصاد منطقه‌ای از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و سایر موانع گمرکی موجود در منطقه و نیز دسترسی واحدهای تولید به بازارهای وسیع‌تر امکان‌پذیر می‌شود و موانع انتقال سرمایه و فن‌آوری در محدوده منطقه برداشته می‌شود و در مجموع، افق‌های گسترده‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکتها گشوده می‌شود.

در واقع منطقه‌گرایی عامل تقویت روابط اقتصادی، تجاری و بین‌المللی در عرصه جهانی محسوب می‌شود. دولتها از طریق وارد شدن در اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری، تا حد زیادی بستر تعادل و همکاری بین خود را به وجود می‌آورند. البته منطقه‌گرایی توان رقابت و قدرت تولید ملی را بیش از پیش افزایش می‌دهد تا کشورها بتوانند با قابلیت و ظرفیت بهتر در سطح جهانی ایفای نقش کنند. بنابراین منطقه‌گرایی می‌تواند آفریننده بسترهای لازم برای زیرساختهای فیزیکی باشد که روند جهانی شدن آن را تکمیل می‌کند.

نتیجه بررسیها در این مطالعه نشان می‌دهد که مزایای اقتصادی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) عبارت‌اند از:

- دسترسی به بازارهای جهانی،
- دستیابی به شرایط یکسان در رقابت با کشورهای صادرکننده،
- کاهش تعرفه‌ها و رعایت الزامات آن،
- رفع محدودیتها و موانع غیرتعرفه‌ای،
- دستیابی به بستر لازم برای حل اختلافات تجاری بین‌الملل،
- استفاده از کمکهای سازمان تجارت جهانی،
- دستیابی به امتیازات ویژه،
- سامان‌دهی مدیریت اقتصاد ملی،
- شفافیت گردش اطلاعات،
- اصلاح روشهای تجاری و بازرگانی،
- ایجاد تحول کیفی و کمی در فرهنگ کار و حل مسائل زیربنایی تولید برای هماهنگ شدن با قواعد جهانی.

- اصلاح سیاستهای موجود در کشور، ابزاری مناسب در برابر مقررات حاکم بر سازمان تجارت جهانی (WTO) است. اهم این سیاستها عبارت‌اند از:
- حمایت‌های خاص از بعضی صنایع داخلی،
 - وجود تعدد در نرخهای تعرفه،
 - فعالیت نکردن بانکهای خارجی،
 - کنترل واردات با حمایت از بخشهای خاص اقتصادی،
 - محوریت نقش دولت در بازرگانی خارجی،
 - وجود انحصارات دولتی،
 - بازنگری در سیاستهای حمایتی.

- با این توصیف اصلاح قوانین کشور در برابر قوانین حاکم بر سازمان تجارت جهانی (WTO) ضروری است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
- بررسی و اصلاح مقررات صادرات و واردات کشور،
 - بررسی و اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی،
 - بررسی و اصلاح قانون اساسی به ویژه مواد ۴۴، ۵۱ و ۷۷^۱،
 - بررسی و اصلاح قوانین و مقررات گمرکی،
 - بررسی و اصلاح قانون بودجه کشور^۲،
 - بررسی و اصلاح قوانین بانکداری،
 - بررسی و اصلاح قوانین بیمه و تأمین اجتماعی،
 - بررسی و اصلاح قوانین مالیاتی کشور،
 - بررسی و اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی،
- در حال حاضر اقدامات انجام شده در راستای تسهیل در پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) عبارت‌اند از:

- خصوصی سازی،
- تلاش در جهت توسعه ترانزیت کشور،
- یکسان سازی نرخ ارز،
- مبارزه مؤثر با پول شویی،

۱. فراهم شدن زمینه‌های تسریع خصوصی سازی و تشدید انگیزه‌های رقابتی، الزام اصلاح قانون مالیات کشور و تبیین و تشریح آشکار موافقت‌نامه‌های بین‌المللی.

۲. یادآوری می‌شود که قانون بودجه سالیانه است و هر ساله تغییر می‌کند و واضح تر بیان می‌شود. بنابراین این امر در راستای کاهش حجم تصدیهای دولت و تقویت بخش خصوصی برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ضروری است.

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۸۱

- تدوین و اجرای قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی،
 - تلاش در راستای کاهش نقش دولت در فعالیتهای تجاری و افزایش سهم بخش خصوصی،
 - تأسیس بانکهای خصوصی،
 - تلاشهای فراوان در جهت شکستن انحصارات.
- امروزه موانع جهانی شدن (هم در حیطه عضویت در سازمان تجارت جهانی و هم در بخش منطقه‌گرایی) در کشور عبارت‌اند از:
- ضعف در سیاستهای کنترلی،
 - ضعف در سیاستهای منطقه‌گرایی،
 - دولتی بودن اقتصاد در کشور (البته تا تحقق کامل خصوصی‌سازی و رسیدن به اهداف اصل ۴۴ این موضوع همچنان یک مانع بزرگ در این راه است).
 - دست نیافتن به یک راهبرد جامع و فراگیر در ورود کشور به مناسبات بین‌المللی،
 - ناسازگاری قوانین و مقررات با اصول مدیریت رقابت‌پذیری و شفاف‌سازی.

۸. پیشنهادها (توصیه‌های سیاستی)

- با اصلاح سیاستهای تجاری خارجی زمینه‌های لازم برای کشورمان در خصوص عضویت در بلوکها و اتحادیه‌های منطقه‌ای آسیایی و اروپایی و آفریقایی فراهم می‌شود، مانند عضویت ایران در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه مغرب عربی (AMU)^۳، شورای وحدت اقتصادی عرب (CAEU)^۴، اتحادیه پولی و اقتصادی غرب آفریقا (WAEMU)^۵ و نظایر آنها.
- از آنجا که تضعیف دلار^۶ (به عنوان پول واحد در بلوکهای منطقه‌ای) باعث افزایش تورم و دستمزدهای کشورهای عضو در بلوکهای منطقه‌ای می‌شود بنابراین استفاده از پول واحد یورو یا پول واحد مورد قبول تمام کشورهای عضو در اتحادیه‌های منطقه‌ای آسیایی و اسلامی ضروری است.

چون پولهای رایج بلوکهای منطقه‌ای به ویژه در کشورهای آسیایی به دلار وابسته هستند و در عمل، دلار به عنوان پول رایج منطقه محسوب می‌شود بنابراین وقتی که از ارزش دلار کاسته می‌شود، وارداتی که بر اساس پولی غیر از دلار صورت می‌گیرد در این بلوکها گران‌تر می‌شود و این مسئله روی میزان تورم تأثیری ناگهانی دارد و چون اروپا بزرگترین صادرکننده به کشورهای

1. Arab Maghreb Union
2. Council of Arab Economic Union
3. West African Economic and Monetary Union

۴. کاهش ارزش دلار در برابر یورو

عضو بلوکهای منطقه‌ای به ویژه منطقه خاورمیانه است بنابراین وقتی ارزش یورو نسبت به دلار رشد داشته باشد این موضوع به این معنی خواهد بود که قیمت کالاها و خدمات اروپایی افزایش می‌یابد. پیشنهاد دومی که در این راستا وجود دارد این است که عمل جانشینی کالاها و خدمات می‌تواند این روند را خنثی کند. هر چند جانشینی کالاها و خدمات اروپایی با کالا و خدمات آمریکایی که بر اساس دلار آمریکا است همیشه امکان پذیر نیست، در این راستا بازارهای بزرگ کشورهای عضو بلوکهای تجاری می‌توانند خرید از منابع آسیایی و آمریکای شمالی را افزایش دهند و کمتر از اروپا کالا و خدمات مورد نیاز خود را تأمین نمایند. بنابراین کاهش ارزش دلار به نوعی می‌تواند بر میزان تورم تأثیر بگذارد. در مورد فشار افزایش دستمزدها هم باید گفت که این مسئله در مورد کشورهای که در آن کارگران مهارت‌های بیشتری دارند رواج پیدا می‌کند. با این توصیف کاهش ارزش دلار آمریکا و افزایش دستمزد و نرخ بهره می‌تواند یک تجارت توانمند را دچار مشکل کند که پیشنهاد مندرج در این بند برای جلوگیری از بروز چنین مسائلی مؤثر و مفید خواهد بود.

- گسترش و توسعه مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری^۱ به علت نقش مؤثر این مناطق در تشکیل بلوکهای منطقه‌ای که هم اکنون این نیاز در کشور احساس می‌شود.
 - عامل اصلی در جذب سرمایه گذاری خارجی، نحوه سیاستگذاری کلی دو کشور در حوزه‌هایی مثل سیاستهای قوی اقتصاد کلان، حقوق مالکیت منسجم و بخشهای مالی و بانکداری کارا است. بنابراین ترتیبات تجاری منطقه‌ای در صورتی که اعتبار سیاست گذاری و اندازه بازار را قویاً افزایش دهد می‌تواند سرمایه گذاری را تقویت کند و در عین حال باید در مجموع با سیاست گذاری کشور که در حال حاضر انجام اصلاحات آن لازم است همراه باشد.
 - ایجاد بازار مشترک اسلامی، مراکز رسانه‌ای، مراکز دانشگاهی و علمی مشترک برای تبادل فناوری میان کشورهای اسلامی و گسترش راههای ارتباطی و مواصلاتی میان کشورهای اسلامی و از همه مهم تر تقویت و استحکام روابط اقتصادی، سیاسی و نظایر آن با یکدیگر از پر اهمیت ترین موضوعات در همکاری‌های منطقه‌ای است.
 - فراهم کردن زمینه‌های عضویت ایران در شورای همکاری خلیج فارس و گسترش همکاریهای تجاری و اقتصادی با کشورهای عضو شورا از نیازهای اساسی کشور در چشم انداز بیست ساله ایران است. جهت دستیابی به هدف یاد شده، لازم است اقدامات ذیل برای گسترش و بهبود روابط با کشورهای عضو شورا و سایر کشورها صورت گیرد.
- تعامل مداوم و مستمر با سازمانهای اقتصادی مهم مناطق و کشورهای یاد شده،

۱. در حاضر در کشور ۱۷ منطقه ویژه و شش منطقه آزاد وجود دارد که فقط شش منطقه موفق به جذب سرمایه گذاری خارجی شده‌اند.

تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن ... ۸۳

- شناسایی بازارهای هدف به صورت منطقه‌ای (شناخت شرکتهای مقصد جهت خرید کالاهای ایرانی)،
- اعزام رایزنان بازرگانی به کشورهای هدف و اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری برای گسترش تبادلات تجاری
- معرفی و شناساندن توانمندیهای اقتصادی و تجاری ایران به تجار و بازرگانان جهت سفارش کالاهای ایرانی از طریق برگزاری نمایشگاههای تخصصی بین‌المللی و ایجاد کانون منطقه‌ای،
- برقراری خطوط اعتباری متقابل بین بانک توسعه صادرات و بانکهای فعال در کشورهای طرف تجاری ایران،
- استفاده از تسهیلات بانک توسعه اسلامی و سازمانهای وابسته به آن برای گسترش مناسبات فیما بین،
- تأسیس بانک مشترک با کشورهای مزبور و تشویق کشورهای طرف تجاری ایران به ایجاد شعبه از سوی بانکهای مربوط در ایران و بالعکس،
- تشکیل اتاقهای بازرگانی مشترک ایران با کشورهای مزبور و تأسیس شورای مشترک بازرگانان با هدف ارتقاء و تسهیل روابط بخشهای خصوصی،
- چاپ نشریه‌ای با مضمون اخبار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مهم بین ایران و شرکای تجاری به منظور ترغیب و تشویق کشورهای جهان به تعامل اقتصادی و تجاری با ایران،
- توسعه مطالعات کاربردی و بازاریابی عمیق به منظور شناخت دقیق کشورهای هدف،
- راه‌اندازی بازارچه‌های مشترک مرزی جدید و اصرار بر گسترش مداوم آن،
- تدوین برنامه‌های بلندمدت برای همکاریهای تجاری ایران در زمینه بانک، بیمه و سرمایه‌گذاری، خدمات فنی و مهندسی و انرژی با بلوکهای منطقه‌ای یاد شده.

منابع

الف) فارسی

- رحمانی، میترا (۱۳۷۶)، «بررسی آثار یکپارچگی بر تجارت بین کشورهای عضو اکو (مدل جاذبه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- عزتی، ژولیت (۱۳۸۵)، «نیاز به برنامه‌ریزی تجاری»، ماهنامه علمی-آموزشی تدبیر در زمینه مدیریت، شماره ۷۶، سال هفدهم، دی.
- غلامی، علی (۱۳۸۴)، «تحلیل آثار آزادسازی تجاری ایران با کشورهای اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- فتحی، یحیی (۱۳۸۵)، «بررسی میزان اثربخشی ترتیبات تجاری منطقه‌ای در توسعه تجارت خارجی کشورهای اسلامی بر اساس مطالعات مزیت نسبی»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ایران سال هشتم، شماره ۲۶، بهار.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۲)، «نقش مشابه موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت در توسعه کشورهای عضو»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۶، سال هفتم، اردیبهشت.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۳)، «مبانی و پیامدهای ایجاد ترتیبات تجارت منطقه‌ای»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۳، سال هشتم، مهر.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۳)، «مبانی و پیامدهای ایجاد ترتیبات تجارت منطقه‌ای»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۲، سال هشتم، شهریور.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۳)، «نگاهی به مذاکرات مربوط به تأسیس مناطق آزاد تجاری جهان»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۴، سال هشتم، آبان.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۱)، «آغاز رسمی مذاکرات تجاری ایران و اتحادیه اروپا»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۱، سال ششم، آذر.
- مجاور حسینی، فرشید و فرید فیاض منش (۱۳۸۵)، «برآورد اثرات بخشی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال هشتم شماره ۲۷، تابستان.
- محسنی، رضا (۱۳۸۴)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان.
- مرادپور، فرزاد (۱۳۸۴)، «بایسته‌های مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۰، سال نهم اردیبهشت ۱۳۸۴.
- مرادپور، فرزاد (۱۳۸۴)، «عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت»، ماهنامه دفتر نمایندگی تام/الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۷۱، سال نهم، خرداد.
- نصیریان، محمد مهدی (۱۳۷۷)، «گات پنجاه سال گذشت»، مترجم محمد مهدی نصیریان، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۱ و ۳۲.
- وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)، نظامنامه رژیم تجاری ایران، خرداد.

(ب) انگلیسی

Bhagwati, Jagdish and Arvin Panagariya (1996), "The Theory of Preferential Trade Arrangements, Historical Evolution and Current Trends", *American Economic Review*, Vol. 86, No. 2, pp. 82-87.

Fernandez, Raquel (1997), *Returns to Regionalism: An Evaluation of Nontraditional Gains from Regional Trade Agreements*, New York.

(ج) سایتهای اینترنتی

معیری، فرزاد (۱۳۸۶)، «یکپارچه‌سازی جهانی»، سایت آینده‌نگر، بخش مقالات.

www.agahgar.irtp.com
www.ayandehnegar.org
www.bashgah.net
www.intracen.org
www.investiniran.ir
www.iranchamber.biz
www.irtp.com
www.itsr.ir
www.worldbank.org
www.wto.org



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی